

آیه ۸۶

آیه و ترجمه

و اذا حییتکم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها ان الله کان علی کل شیء حسیبا ۸۶

ترجمه :

۸۶ - و هنگامی که کسی به شما تحیت گوید پاسخ آنرا به طور بهتر دهید یا (لا اقل) به همان گونه پاسخ گوئید، خداوند حساب همه چیز را دارد.

تفسیر :

هر گونه محبتی را پاسخ گوئید

گرچه بعضی از مفسران معتقدند که پیوند و ارتباط این آیه با آیات قبل، از این نظر است که در آیات گذشته بحثهایی پیرامون جهاد بود و در این آیه

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۴۲

دستور می دهد که اگر دشمنان از در دوستی و صلح در آیند شما نیز پاسخ مناسب دهید، ولی روشن است که این پیوند، مانع از آن نیست که یک حکم کلی و عمومی در زمینه تمام تحیتها و اظهار محبتهایی که از طرف افراد مختلف می شود، بوده باشد.

آیه در آغاز می گوید: هنگامی که کسی به شما تحیت گوید پاسخ آن را به طرز بهتر بدهید و یا لااقل به طور مساوی پاسخ گوئید.

(و اذا حییتکم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها)

تحیت در لغت از ماده حیات و به معنی دعا برای حیات دیگری کردن است خواه این دعا به صورت سلام علیک (خداوند تو را به سلامت دارد) و یا حیاک الله (خداوند تو را زنده بدارد) و یا مانند آن، باشد ولی معمولا از این کلمه هر نوع اظهار محبتی را که افراد بوسیله سخن، بایکدیگر می کنند شامل می شود که روشنترین مصداق آن همان موضوع سلام کردن است.

ولی از پاره های از روایات، همچنین تفاسیر، استفاده میشود که اظهار محبتهای عملی نیز در مفهوم تحیت داخل است، در تفسیر علی بن ابراهیم از امام باقر و امام صادق (علیه السلام) چنین نقل شده که:

المراد بالتحية في الاية السلام و غيره من البر: منظور از تحیت در آیه، سلام و هر گونه نیکی کردن است و نیز در روایتی در کتاب مناقب چنین می خوانیم کنیزی یک شاخه گل خدمت امام حسن (علیه السلام) هدیه کرد، امام در مقابل آن وی را آزاد ساخت، و هنگامی که از علت این کار سوال کردند، فرمود: خداوند این ادب را به ما آموخته آنجا که می فرماید: و اذا حييتم بتحية فحيوا با حسن منها و سپس اضافه فرمود: تحیت بهتر، همان آزاد کردن او است! و به این ترتیب آیه یک حکم کلی درباره پاسخ گوئی به هر نوع اظهار محبتی اعم از لفظی و عملی می باشد.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۴۳

و در پایان آیه برای اینکه مردم بدانند چگونگی تحیتها و پاسخها و برتری یا مساوات آنها، در هر حد و مرحله ای، بر خداوند پوشیده و پنهان نیست می فرماید: خداوند حساب همه چیز را دارد.

(ان الله كان على كل شيء حسيبا)

سلام تحیت بزرگ اسلامی

تا آنجا که می دانیم تمام اقوام جهان هنگامی که به هم میرسند برای اظهار محبت به یکدیگر نوعی تحیت دارند که گاهی جنبه لفظی دارد و گاهی به صورت عملی است که رمز تحیت می باشد، در اسلام نیز سلام یکی از روشنترین تحیتها است، و آیه فوق همانطور که اشاره شد گرچه معنی وسیعی دارد اما یک مصداق روشن آن سلام کردن است، بنابراین طبق این آیه همه مسلمانان موظفند که سلام را به طور عالیترا و یا لا اقل مساوی جواب گویند. از آیات قرآن نیز استفاده می شود که سلام یکنوع تحیت است. در سوره نور آیه ۶۱ می خوانیم:

فاذا دخلتم بيوتا فسلموا على انفسكم تحية من عند الله مباركة طيبة :

هنگامی که وارد خانه ای شدید بر یکدیگر تحیت الهی بفرستید تحیتی پر برکت و پاکیزه.

در این آیه سلام به عنوان تحیت الهی که هم مبارک است و هم پاکیزه معرفی شده است و ضمنا می توان از آن استفاده کرد که معنی سلام علیکم در اصل سلام الله علیکم است، یعنی درود پروردگار بر تو باد، یا خداوند تو را به سلامت دارد، و در امن و امان باشی به همین جهت سلام کردن یکنوع اعلام دوستی و

صلح و ترک مخاصمه و جنگ محسوب می شود.
از پاره‌ای از آیات قرآن نیز استفاده می شود که تحیت اهل بهشت نیز سلام است.
اولئك يجزون الغرفة بما صبروا و يلقون فيها تحية و سلاما.
اهل بهشت در برابر استقامتشان از غرفه‌های بهشتی بهره‌مند می شوند و

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۴۴

تحیت و سلام به آنها نثار میشود (فرقان - ۷۵) و در آیه ۲۳ سوره ابراهیم و آیه ۱۰ سوره یونس درباره بهشتیان نیز می خوانیم تحیتهم فیها سلام: تحیت آنها در بهشت سلام است.

و نیز از آیات قرآن استفاده می شود که تحیت به معنی سلام (یا چیزی معادل آن) در اقوام پیشین بوده است چنانکه در سوره ذاریات آیه ۲۵ در داستان ابراهیم می گوید هنگامی که فرشتگان مامور مجازات قوم لوط به صورت ناشناس بر او وارد شدند به او سلام کردند و او هم پاسخ آنها را به سلام داد:
اذ دخلوا علیه فقالوا سلاما قال سلام قوم منكرون.

از اشعار عرب جاهلی نیز استفاده می شود که تحیت به وسیله سلام در آن ایام بوده است.

هرگاه بیطرفانه این تحیت اسلامی را که محتوی توجه به خدا و دعا برای سلامت طرف و اعلام صلح و امنیت است با تحیت‌های دیگری که در میان اقوام مختلف معمول است مقایسه کنیم ارزش آن برای ما روشنتر می گردد.
در روایات اسلامی تاکید زیادی روی سلام شده تا آنجا که از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده:

من بدء بالكلام قبل السلام فلا تجيبوه: کسی که پیش از سلام آغاز به سخن کند پاسخ او را نگوئید.

و نیز از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که خداوند می فرماید:

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۴۵

البخیل من يبخل بالسلام: بخیل کسی است که حتی از سلام کردن بخل ورزد.
و در حدیث دیگری از امام باقر (علیه السلام) میخوانیم:

ان الله عز و جل يحب افشاء السلام :

خداوند افشاء سلام را دوست دارد منظور از افشای سلام، سلام کردن به افراد

مختلف است.

در احادیث، آداب فراوانی درباره سلام وارد شده از جمله اینکه: سلام تنها مخصوص کسانی نیست که انسان با آنها آشنائی خاصی دارد، چنانکه در حدیثی داریم که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سوال شد ای العمل خیر! کدام عمل بهتر است! فرمود:

تطعم الطعام و تقرء السلام علی من عرف و من لم تعرف :

اطعام طعام کن و سلام به کسانی که می شناسی و نمی شناسی بنما و نیز در احادیث وارد شده که سواره بر پیاده، و آنها که مرکب گرانقیمت تری دارند به کسانی که مرکب ارزانتر دارند، سلام کنند، و گویا این دستور یک نوع مبارزه با تکبر ناشی از ثروت و موقعیتهای خاص مادی است، و این درست نقطه مقابل چیزی است که امروز دیده می شود که تحیت و سلام را وظیفه افراد پائین تر می دانند و شکلی از استعمار و استعباد و بت پرستی به آن می دهند، و لذا در حالات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانیم که او به همه حتی به کودکان سلام می کرد.

البسته این سخن منافات با دستوری که در بعضی از روایات وارد شده که افراد کوچکتر از نظر سن بر بزرگتر سلام کنند ندارد، زیرا این یکنوع ادب و تواضع انسانی است و ارتباطی با مسئله اختلاف طبقاتی و تفاوت در ثروت و

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۴۶

موقعیتهای مادی ندارد.

در پاره ای از روایات دستور داده شده است که به افراد رباخوار، فاسق، منحرف و مانند آنها سلام نکنید و این خود یکنوع مبارزه با فساد است، مگر اینکه سلام کردن به آنها وسیله ای باشد برای آشنائی و دعوت به ترک منکر.

ضمناً باید توجه داشت که منظور از تحیت به احسن آن است که سلام را با عبارات دیگری مانند و رحمة الله و مانند و رحمة الله و برکاته تعقیب کنند.

در تفسیر در المنثور می خوانیم شخصی به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد السلام علیک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: السلام علیک و رحمة الله، دیگری عرض کرد السلام علیک و رحمة الله پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود و علیک السلام و رحمة الله و برکاته نفر دیگری گفت: السلام علیک و رحمة الله و برکاته پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

سلم) فرمود: و عليك و هنگامي که سوال کرد که چرا جواب مرا کوتاه بیان کردید فرمود: قرآن می گوید: تحیت را به طرز نیکوتری پاسخ گوئید اما تو چیزی باقی نگذاشتی! درحقیقت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد نفر اول و دوم تحیت به نحو احسن گفت اما در مورد شخص سوم به مساوی زیرا جمله عليك مفهومش این است که تمام آنچه گفتی بر تو نیز باشد.

آیه ۸۷

آیه و ترجمه

الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه و من اصدق من الله حدیثا ۸۷

ترجمه :

۸۷ - خداوند معبودی جز او نیست، و به طور قطع همه شما را در روز رستاخیز که شک در آن نمی باشد جمع می کند، و کیست که از خداوند راستگوتر باشد.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۴۷

تفسیر :

آیه فوق تکمیلی برای آیات قبل و مقدمه برای آیات بعد است، زیرا در آیه گذشته پس از دستور به رد تحیت فرمود: خداوند حساب همه اعمال شما را دارد، در این آیه اشاره به مسئله رستاخیز و دادگاه عمومی بندگان در روز قیامت کرده و آن را با مسئله توحید و یگانگی خدا که رکن دیگری از ایمان است می آمیزد، و می فرماید: معبودی جز او نیست و بطور قطع در روز قیامت شما را دسته جمعی مبعوث میکند، همان روز قیامتی که هیچ شک و تردیدی در آن نیست.

(الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیامة لا ریب فیه).

تعبیر به یجمعنکم اشاره به این است که قیامت همه افراد بشر در یکروز واقع خواهد شد، همانطور که در آخر سوره مریم آیه ۹۳ تا ۹۵ نیز اشاره به این حقیقت شده که تمام بندگان خدا اعم از ساکنان زمین و ساکنان کرات دیگر همه در یکروز مبعوث می شوند.

تعبیر به لاریب فیه (هیچ تردیدی در آن نیست) در مورد روز قیامت در این آیه و چندین مورد دیگر از آیات قرآن در حقیقت اشاره به دلائل قطعی و مسلمی

است که از وجود چنین روزی خبر می‌دهد مانند قانون تکامل و حکمت و فلسفه آفرینش و قانون عدالت پروردگار که در بحث معاد، مشروحاً ذکر شده است.

و در پایان برای تاکید مطلب می‌فرماید: کیست که راستگوتر از خدا باشد (و من اصدق من الله حدیثاً).

بنابراین هر گونه وعده‌ای درباره روز قیامت و غیر آن می‌دهد نباید جای تردید باشد، زیرا دروغ یا از جهل سرچشمه می‌گیرد یا از ضعف و نیاز، اما خداوندی

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۴۸

که از همه آگاهتر و از همگان بینیاز است، از هر کس راستگوتر است و اصولاً دروغ برای او مفهومی ندارد.

آیه ۸۸

آیه و ترجمه

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُم بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ مِنْ يَضِلُّ اللَّهُ فَمَا لَهُ سَبِيلًا ۸۸

ترجمه :

۸۸ - چرا درباره منافقین دو دسته شده‌اید! (بعضی جنگ با آنها را ممنوع و بعضی مجاز می‌دانید) در حالی که خداوند به خاطر اعمالشان (افکار) آنها را به کلی وارونه کرده است، آیا شما می‌خواهید کسانی را که خداوند (بر اثر اعمال زشتشان) گمراه کرده هدایت کنید!! در حالی که هر کس را خداوند گمراه کند راهی برای او نخواهی یافت.

شان نزول :

مطابق نقل جمعی از مفسران از ابن عباس، عده‌ای از مردم مکه ظاهراً مسلمان شده بودند، ولی در واقع در صف منافقان قرار داشتند، به همین دلیل حاضر به مهاجرت به مدینه نشدند، و عملاً هوادار و پشتیبان بت پرستان بودند، اما سرانجام مجبور شدند از مکه خارج شوند (و تانزدیکی مدینه بیایند و شاید هم به خاطر موقعیت ویژه‌ای که داشتند برای هدف جاسوسی این عمل را انجام دادند) و خوشحال بودند که مسلمانان آنها را از خود می‌دانند و ورود به مدینه طبعاً برای آنها مشکلی ایجاد نخواهد کرد.

مسلمانان از جریان آگاه شدند، ولی بزودی درباره چگونگی برخورد با این جمع در میان مسلمین اختلاف افتاد، عده‌ای معتقد بودند که باید این عده را طرد کرد، زیرا در واقع پشتیبان دشمنان اسلامند، ولی بعضی از افراد

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۴۹

ظاهر بین و ساده دل با این طرح مخالفت کردند و گفتند: عجب! ما چگونه با کسانی که گواهی به توحید و نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) داده‌اند بجنگیم! و تنها به جرم اینکه هجرت ننمودند خون آنها را حلال بشمریم! آیه فوق نازل شد و دسته دوم را در برابر این اشتباه ملامت و سپس راهنمایی کرد.

تفسیر :

با توجه به شان نزول بالا پیوند این آیه و آیات بعد از آن با آیاتی که قبلاً درباره منافقان بود کاملاً روشن است.

در آغاز آیه می‌فرماید: چرا در مورد منافقان دو دسته شده‌اید و هر کدام طوری قضاوت می‌کنید (فما لکم فی المنافقین فئتين).

یعنی این افراد که با ترک مهاجرت و همکاری عملی با مشرکان و عدم شرکت در صف مجاهدان اسلام نفاق خود را آشکار ساخته‌اند نباید درباره سرنوشت آنها کسی تردید کند، اینها به طور مسلم از منافقان دست اولند، و عملشان گواه زنده عدم ایمانشان است، پس چرا بعضی فریب اظهار توحید و ایمان آنها را می‌خورند! و در مقام شفاعت از آنها برمی‌آیند با اینکه در آیات قبل اشاره شد که من یشفع شفاعة سیئة یکن له کفل منها و به این ترتیب خود را در سرنوشت شوم آنها سهیم می‌نمایند.

سپس می‌فرماید: این عده از منافقان به خاطر اعمال زشت و ننگینی که انجام داده‌اند خداوند توفیق و حمایت خویش را از آنها برداشته و افکارشان را به کلی واژگونه کرده، همانند کسی که به جای ایستادن به روی پا، با سر

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۵۰

بایستد (و الله ارکسهم بما کسبوا).

ضمناً از جمله بما کسبوا استفاده می‌شود که بازگشتها از جاده هدایت

وسعادت و نجات معلول اعمال خود انسان است و اگر این عمل به خداوند نسبت داده می‌شود به خاطر آن است که خداوند حکیم و هر کس را مطابق اعمال خویش کیفر می‌دهد و به مقدار لیاقت و شایستگی پاداش خواهد داد. و در پایان آیه خطاب به افراد ساده دلی که حمایت از این دسته منافقان می‌نمودند کرده، می‌فرماید: آیا شما می‌خواهید کسانی را که خدا بر اثر اعمال زشتشان از هدایت محروم ساخته هدایت کنید در حالی که چنین افراد هیچ راهی به سوی هدایت ندارند. (اتریدون ان تهدوا من اضل الله و من یضل الله فلن تجد له سبیلاً)

زیرا این یک سنت فناپذیر الهی است که اثر اعمال هیچکس از او جدانمی‌شود چگونه می‌توانید انتظار داشته باشید افرادی که فکرشان آلوده و قلبشان مملو از نفاق و عملشان حمایت از دشمنان خدا است مشمول هدایت شوند این یک انتظار بی‌دلیل و نابجا است.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۵۱

آیه ۸۹

آیه و ترجمه

ودوا لوتکفرون کما کفروا فتکونون سواء فلا تتخذوا منهم اولیاء حتی یهاجروا فی سبیل الله فان تولوا فخذوهم و اقتلوهم حیث وجدتموهم ولا تتخذوا منهم ولیا ولا نصیرا ۸۹

ترجمه :

۸۹ - آنان دوست دارند که شما هم مانند آنها کافر شوید و مساوی یکدیگر گردید، بنابراین از آنها دوستانی انتخاب نکنید مگر اینکه (توبه کنند و) مهاجرت در راه خدا نمایند، اما آنها که از کار سرباز زنند (و به اقدامات بر ضد شما ادامه دهند) آنها را هر کجا بیابید اسیر کنید و (یا در صورت لزوم) به قتل برسانید و از میان آنها دوست و یار و یآوری اختیار نکنید.

تفسیر :

در تعقیب آیه قبل درباره منافقانی که بعضی از مسلمانان ساده دل به حمایت از آنها برخاسته و از آنها شفاعت می‌کردند و قرآن بیگانگی آنها را از اسلام بیان داشت در این آیه می‌فرماید: تاریکی درون آنها بقدری است که نه تنها خودشان

کافرند بلکه دوست می‌دارند که شما هم همانند آنان کافر شوید و مساوی یکدیگر گردید.

(ودوا لو تکفرون کما کفروا فتکونون سواء)

بنابراین آنها از کافران عادی نیز بدترند، زیرا کفار معمولی دزد و غارتگر عقائد دیگران نیستند، اما اینها هستند، فعالیت‌های پیگیری برای تخریب عقاید دیگران دارند.

اکنون که آنها چنین هستند هرگز نباید شما مسلمانان دوستانی از میان آنها انتخاب کنید (فلا تتخذوا منهم اولياء)

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۵۲

مگر اینکه در کار خود تجدید نظر کنند و دست از نفاق و تخریب بردارند و نشانه آن این است که از مرکز کفر و نفاق به مرکز اسلام (از مکه به مدینه) مهاجرت نمایند.

(حتى يهاجروا في سبيل الله).

اما اگر آنها حاضر به مهاجرت نشدند بدانید که دست از کفر و نفاق خودبر نداشتند و اظهار اسلام آنها فقط به خاطر اغراض جاسوسی و تخریبی است و در این صورت می‌توانید هر جا بر آنها دست یافتید، آنها را اسیر کنید و یا در صورت لزوم به قتل برسانید.

(فان تولوا فخذوهم و اقتلوهم حيث وجدتموهم)

و در پایان آیه بار دیگر تاکید میکند که هیچگاه دوست و یار و یآوری از میان آنها انتخاب نکنید.

(و لا تتخذوا منهم ولیا و لا نصیرا)

این شدت عمل که در آیه فوق نسبت به این دسته از منافقان نشان داده شده به خاطر آن است که نجات یک جامعه زنده که در مسیر یک انقلاب اصلاحی گام بر می‌دارد، از چنگال دشمنان دوست نما و جاسوسان خطرناک، راهی جز این ندارد.

قابل توجه اینکه در حالی که اسلام افراد غیر مسلمانی همانند یهود و نصاری را با شرائطی تحت حمایت خود قرار داده، و اجازه هیچگونه مزاحمت نسبت به آنها نمی‌دهد در مورد این دسته از منافقان این چنین شدت عمل به خرج داده است، و با اینکه آنان تظاهر به اسلام می‌نمودند دستور اسارت و حتی اعدام آنان

را در صورت لزوم صادر کرده است، و این نیست مگر به خاطر آنکه این گونه افراد زیر پوشش اسلام می‌توانند ضربه‌هایی بزنند که هیچ دشمنی قادر بر آن نیست!

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۵۳

سوال :

ممکن است گفته شود سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره منافقان این بوده که هیچگاه دستور قتل آنها را صادر نمی‌کرد مبادا دشمنان او را متهم به کشتن یارانش کنند و یا بعضی از این مسئله سوءاستفاده کرده، با افرادی که خرده حساب داشتند به عنوان منافق بودن درآویزند و آنها را به قتل برسانند.

پاسخ :

باید توجه داشت که سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تنها در مورد منافقان مدینه و مانند آنها بوده است که به ظواهر اسلام عمل می‌کردند و مبارزه صریحی با اسلام و مسلمین نداشتند اما کسانی که مانند منافقان مکه همکاری روشنی با دشمنان اسلام داشتند مشمول این حکم نبودند.

آیه ۹۰

آیه و ترجمه

الا الذين يصلون الى قوم بينكم و بينهم ميثق او جاءوكم حصرت صدورهم ان يقتلوكم او يقتلوا قومهم و لو شاء الله لسلطهم عليكم فلقتلوكم فان اعتزلوكم فلم يقتلوكم و القوا اليكم السلم فما جعل الله لكم عليهم سبيلا ۹۰

ترجمه :

۹۰ - مگر آنها که با کسانی که با شما هم پیمانند، پیمان بسته، یا آنها که به‌سوی شما می‌آیند و از پیکار با شما یا پیکار با قوم خود ناتوان شده‌اند (نه سر جنگ با شما دارند و نه توانائی مبارزه با قوم خود) و اگر خداوند بخواهد آنها را بر شما مسلط می‌کند تا با شما پیکار کنند، بنابراین اگر از شما کناره‌گیری کردند و با شما پیکار ننمودند (بلکه) پیشنهاد صلح کردند خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوی

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۵۴

شان نزول :

از روایات مختلفی که در شان نزول آیه وارد شده و مفسران در تفاسیر گوناگون آورده‌اند چنین استفاده می‌شود که دو قبیله در میان قبائل عرب به نام بنی ضمیره و اشجع وجود داشتند که قبیله اول با مسلمانان پیمان ترک تعرض بسته بودند و طایفه اشجع با بنی ضمیره نیز هم پیمان بودند. بعضی از مسلمانان از قدرت طایفه بنی ضمیره و پیمان شکنی آنها بیمناک بودند، لذا به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پیشنهاد کردند که پیش از آنکه آنها حمله را آغاز کنند مسلمانان به آنها حمله ور شوند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

کلا فانهم ابر العرب بالوالدین و اوصلهم للرحم و اوفاهم بالعهد :

نه، هرگز چنین کاری نکنید، زیرا آنها در میان تمام طوایف عرب نسبت به پدر و مادر خود نیکوکارترند، و از همه نسبت به اقوام و بستگان مهربانتر، و به عهد و پیمان خود از همه پایبندترند!

پس از مدتی مسلمانان با خبر شدند که طایفه اشجع به سرکردگی مسعود بن رجیله که هفتصد نفر بودند به نزدیکی مدینه آمده‌اند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نمایندگان نزد آنها فرستاد تا از هدف مسافرتشان مطلع گردد آنها اظهار داشتند آمده‌ایم قرار داد ترک‌مخاصمه با محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ببندیم، هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین دید دستور داد مقدار زیادی خرما به عنوان هدیه برای آنها بردند، و سپس با آنها تماس گرفت و آنها اظهار داشتند ما از یک طرف توانائی مبارزه با دشمنان شما را نداریم، چون عدد ما کم است، و نه قدرت و تمایل به مبارزه با شما را داریم، زیرا محل ما به شما نزدیک است لذا آمده‌ایم که با شما پیمان ترک تعرض ببندیم، در این هنگام آیات فوق نازل شد و دستورهای لازم در این زمینه به مسلمانان داد.

از پاره‌ای از روایات استفاده می‌شود که قسمتی از آیه درباره طایفه

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۵۵

بنی مدلج نازل شده است که خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیدند و اظهار داشتند که ما نه با شما هم صدا هستیم و نه بر ضد شما گام بر می‌داریم و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیمان ترک‌مخاصمه با آنها

بست.

تفسیر :

استقبال از پیشنهاد صلح

به دنبال دستور به شدت عمل در برابر منافقانی که با دشمنان اسلام همکاری نزدیک داشتند، در این آیه دستور می‌دهد که دو دسته از این قانون مستثنی هستند:

۱ - آنها که با یکی از هم پیمانان شما ارتباط دارند و پیمان بسته‌اند.

(الا الذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق)

۲ - کسانی که از نظر موقعیت خاص خود در شرائطی قرار دارند که نه قدرت مبارزه با شما را در خود می‌بینند، و نه توانائی همکاری با شما و مبارزه با قبيله خود دارند.

(او جاؤکم حصرت صدورهم ان یقاتلوکم او یقاتلوا قومهم).

روشن است که دسته اول به خاطر احترام به پیمان باید از این قانون مستثنی باشند و دسته دوم نیز اگر چه معذور نیستند و باید پس از تشخیص حق به حق پیوندند ولی چون اعلان بیطرفی کرده‌اند تعرض نسبت به آنها بر خلاف اصول عدالت و جوانمردی است.

سپس برای اینکه مسلمانان در برابر این پیروزیهای چشمگیر مغرور نشوند و آنرا موهون قدرت نظامی و ابتکار خود ندانند و نیز برای اینکه احساسات انسانی آنها در برابر این دسته از بی طرفان تحریک شود می‌فرماید: اگر خداوند

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۵۶

بخواهد می‌تواند آن (جمعیت ضعیفان) را بر شما مسلط گرداند تا با شما پیکار کنند.

(و لو شاء الله لسلطهم علیکم فلقاتلوکم)

بنابراین همواره در پیروزیها به یاد خدا باشید و هیچگاه به نیروی خود مغرور نشوید و نیز گذشت از ضعیفان را برای خود خسارتی نشمرید.

در پایان آیه بار دیگر نسبت به دسته اخیر تاکید کرده و با توضیح بیشتری چنین می‌فرماید: اگر آنها از پیکار با شما کناره گیری کنند و پیشنهاد صلح نمایند خداوند به شما اجازه تعرض نسبت به آنها را نمی‌دهد

و موظفید دستی را که به منظور صلح به سوی شما دراز شده بفشارید.
(فان اعتزلوکم فلم یقاتلوکم و القوا الیکم السلم فما جعل الله لکم علیهم
سبیلا).

نکته قابل توجه اینکه قرآن در این آیه و چندین آیه دیگر پیشنهاد صلح را با تعبیر القاء سلام (افکندن صلح) ذکر کرده است که ممکن است اشاره به این مطلب باشد که طرفین نزاع، پیش از آنکه صلح کنند، معمولاً از هم فاصله می گیرند و حتی پیشنهاد صلح را با احتیاط طرح می کنند، گویی دور از هم ایستاده اند و این پیشنهاد را بسوی هم پرتاب می نمایند.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۵۷

آیه ۹۱ آیه و ترجمه

ستجدون ءاخیرین یریدون ان یامنوکم و یامنوا قومهم کل ما ردوا الی الفتنه
ارکسوا فیها فان لم یعتزلوکم و یلقوا الیکم السلم و یکفوا یدیههم فخذوهم و
اقتلوهم حیث ثقتموهم و اولئکم جعلنا لکم علیهم سلطنامینا ۹۱
ترجمه :

۹۱ - به زودی جمعیت دیگری را می یابید که می خواهند هم از ناحیه شما در امان باشند، و هم از ناحیه قوم خودشان (که مشرکند، لذا درپیش شما ادعای ایمان می کنند ولی) هر زمانی به سوی فتنه (و بت پرستی) باز گردند با سر در آن فرو می روند! اگر آنها از درگیری با شما کنار نرفتند و پیشنهاد صلح نکردند و دست از شما برداشتند، آنها را هر کجا یافتید اسیر کنید، و (یا) به قتل برسانید و آنها کسانی هستند که برای شما تسلط آشکاری نسبت به آنان قرار داده ایم.

شان نزول :

برای آیه فوق شان نزولهای مختلفی نقل شده که یکی از مشهورترین آنها این است:

جمعی از مردم مکه به خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می آمدند و از روی خدعه و نیرنگ اظهار اسلام می کردند، اما همین که در برابر قریش و بتهای آنها قرار می گرفتند به نیایش و عبادت بتها می پرداختند، و به این ترتیب می خواستند از ناحیه اسلام و قریش هردو آسوده خاطر باشند، از هر دو

طرف سود ببرند و از هیچیک زیان نبینند، و به اصطلاح در میان این دو دسته دو دوزه بازی کنند، آیه فوق نازل شد و دستور داد مسلمانان در برابر این دسته شدت عمل بخرج دهند.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۵۸

تفسیر :

سزای آنها که دودوزهبازی میکنند!

در اینجا با دسته دیگری روبرو می شویم که درست در مقابل دستهای قرار دارند که در آیه پیش دستور صلح نسبت به آنها داده شده بود. آنها کسانی هستند که می خواهند برای حفظ منافع خود در میان مسلمانان و مشرکان آزادی عمل داشته باشند و برای تامین این نظر راه خیانت و نیرنگ پیش گرفته، با هر دو دسته اظهار همکاری و همفکری می کنند.

(ستجدون آخرین یریدون ان یامنوکم و یامنوا قومهم).

و به همین دلیل هنگامی که میدان فتنه جوئی و بت پرستی پیش آید همه برنامه های آنها وارونه می شود و با سر در آن فرو می روند!

(کلما ردوا الی الفتنة ارکسوا فیها).

اینها درست بر ضد دسته سابقند زیرا آنها کوشش داشتند از درگیر شدن با مسلمانان دوری کنند اما اینها نغمه دارند که با مسلمانان درگیر شوند.

آنها پیشنهاد صلح با مسلمانان داشتند در حالی که اینها سر جنگ دارند.

آنها از اذیت و آزار مسلمانان پرهیز داشتند ولی اینها پرهیز ندارند.

این سه تفاوت که در جمله فان لم یعزلوکم و یلقوا الیکم السلم و یکفوایدیهم به آن اشاره شده است موجب گردیده که حکم اینها از دسته سابق به کلی جدا شود و به مسلمانان دستور داده شده که هر کجا آنان را بیابند اسیر کنند و در صورت مقاومت به قتل رسانند.

(فخذوهم و اقتلوهم حیث ثقتموهم).

و لذا آنجا که به اندازه کافی نسبت به آنها اتمام حجت شده در پایان آیه می فرماید: آنان کسانی هستند که ما تسلط آشکاری برای شما نسبت به آنها

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۵۹

قرار دادیم.

(و اولئکم جعلنا لکم علیهم سلطانا مبینا).

این تسلط می‌تواند از نظر منطقی بوده باشد، چه اینکه منطق مسلمانان بر مشرکان کاملاً پیروز بود و یا از نظر ظاهری و خارجی، زیرا در زمانی این آیات نازل شد که مسلمین به قدر کافی نیرومند شده بودند. تعبیر به ثقت‌موهم در آیه فوق ممکن است اشاره به نکته دقیقی باشد زیرا این جمله از ماده ثقافت به معنی دست یافتن بر چیزی با دقت و مهارت است، و با وجدتموهم که از ماده وجدان و به معنی مطلق دست یافتن است، تفاوت دارد، گویا این دسته از منافقان دو دوزه باز که خطرناکترین دسته‌های منافقان هستند، به آسانی ممکن نیست شناخته شوند و به تله بیفتند لذا می‌فرماید: اگر با مهارت و دقت به آنها دست یافتید حکم خداوند را در مورد آنها اجرا کنید اشاره به اینکه دست یافتن بر آنها نیاز به دقت و مراقبت کافی دارد.

بعد ←

↑ غریت

→ قبل